

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختري

این پارچه شعر را من و فخرالشعراء محترم محمد نسیم "اسیر" بدون صحبت حضوری از طریق مکاتبه به اتفاق هم سروده ایم و ابیات بین ناخنک ها از آقای "اسیر" میباشد:

شور محشر

صبوری کردم و صبرم سرآمد	خدایا شیرۀ جانم بر آمد
نه محمود آمد و نی روز محمود	نه سالار و سپاه و لشکر آمد
نه نیکه و نه بابا و نه دادا	نه غازی و شهید اکبر آمد
{به مانند امان الله غازی	نه یک فرزند والا گوهر آمد}
{نه ظاهرشاه را پیدا کند کس	که تا او رفت بد شد بدتر آمد}
چه شد اسپ سمند تیز رفتار	که از پا ماند و بر جایش خر آمد
{کمونستان ملحد سر کشیدند	مسلمانی زبون شد کافر آمد}
{قباحت پیشگان ملک ما را	نه فخری از پدر نی مادر آمد}
{ولی هیئات و صد افسوس و حرمان	که تا بیگانه از میهن بر آمد}
{ز فرزندان ناصالح چه سر زد	سر مردم چه شور محشر آمد}
{چه خوش می گفت روزی درد مندی	که روزم به نشد بد بدتر آمد}
زمین و آسمان آمد به فریاد	دد و دیو و بلا در کشور آمد
فساد و فتنه و قتل و شرارت	ز فیض مقدمت ای رهبر آمد
وطن سرتابه پا آتش گرفته	سپند جان مادر مجمر آمد
خدا رحمی کند بر حال مردم	به اول خیر و در آخر شر آمد
{به گوش من اسیر آواز ناظم	چو آهنگ خلیل آنر آمد}
ندارد ناظم از قسمت شکایت	که نیک و بد به حکم داور آمد